

متن پرسش

با سلام استاد عزیز: در مورد جهانی میان دو جهان، انسانی که این ویژگی را داشته باشد گاهی در تعاریف به حالتی گنگ و غیرقابل تعریف می شود: ۱. آیا می توانیم تعریف انسانی میان دو جهان را "انسانی مومن حقیقی که دغدغه و دلسوزی نمایش عالم قدس در عالم ماده را در کل عالم ماده و جهان دارد تعریف کنیم؟ انسانی که از دو گروه موجود در حال حاضر صفات خوب توجه به عالم قدس را از یک گروه و نظم و تفکر اجتماعی باز را از گروه دیگر در خود دارد، و صفت عصبیت را از یک گروه و غفلت از عالم قدس را از گروه دیگر ندارد (در کل کاری به جناح و گروه ها ندارم ولی به نظرم مثلاً در داخل اصولگراها حرف درستی را گاهی تند میگویند و اصحاب غربگرا حرف اشتباهی رو با موج سواری رو نظر عده ای از مردم، بهتر در ظاهر اعلام می کنند.) سوال دوم اینکه آیا ما می توانیم بگوییم که امام عصر (عج) نقطه اوج انسان جهان میان دو جهان هستند؟ سوال آخر اینکه استاد عزیز با توجه به اینکه برای تغییر وضعیت ما باید یک مسیری که در ظاهر بسیار طولانی از انسان دچار تعصب یا غفلت از قدس که شاید هر دو در دو طرف طیف تاریخ هستند به سوی تعادل انسانی میان دو جهان برویم، سوالم اینکه در اون نقطه ای که تغییر می خواهد ایجاد شود اراده ای از جانب خداوند شده یا انسان، چون اگر از انسان باشد که بالاخره آن نور در قلبها از سوی خدا بوده و اینکه بحث ظرفیت زمانه هست و اینکه واقعا برام جای سواله که انسان امروزه آیا با آموزش یا انجام احکام و... می شود آنچه باید بشود یا معجزه می خواهد، و اگر از سوی خدا بوده بحث اختیار انسان هست، اگر لطف کنید مورد آخر رو کمی توضیح دهید. ممنون

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که مستحضرید بحث «جهان بین دو جهان» موضوعی است که نیاز به بحث و تفصیل زیاد دارد که در سه کتاب اخیر بنده که فعلاً یکی از آنها به چاپ رسیده است، تا حدی افق حضور در جهان بین دو جهان روشن می شود. آری! همان طور که می فرمایید باید ماورای جریانهای سیاسی و حزبی، انسان خود را در این تاریخ حاضر کند و مسلم حضرت صاحب الامر «عجل الله تعالی فرجه» که صاحب زمان هم هستند، صاحب همه جهان ها می باشند.

آری! مسلم نسبتی بین اراده الهی در جوابگویی نیاز انسانها مطابق تاریخ و تقاضای انسانها در تاریخ در صحنه است که در کتابهای مذکور تا حدی بدان پرداخته شده است. موفق باشید

